

کونه‌شناسی عقلانیت دو حکیم رازی

تلاقی «عقلگرایی خودبنیاد» زکریای رازی با «عقلانیت وحیانی» ابوحاتم رازی

مهدی گنجور*

چکیده

نسبت «خردورزی فلسفی» و «دینداری وحی‌باور» یا بتعبیری، گستره و کارکرد عقل در نسبت با وحی و سهم آن در هدایت و سعادت انسان، همواره یکی از مهمترین دغدغه‌های اندیشمندان مسلمان بوده است. نوشتار حاضر با رویکردی مسئله‌محور و روش توصیفی - تحلیلی، با بررسی دو سنخ متفاوت از اندیشه‌ورزی فلسفی و دینی دو حکیم ایرانی محمد بن زکریای رازی (م. ۳۱۳ هـ. ق.) و ابوحاتم عبدالرحمن رازی (م. ۳۲۲ هـ. ق.)، به تبیین نحوه تلاقی دو جریان فکر فلسفی و اندیشه کلامی در قرن چهارم هجری پرداخته است. اهمیت این پژوهش از آنروست که در تناظر و گفت‌وگو نزع‌گونه این دو سنخ از اندیشه‌ورزی، رابطه بین عقل و وحی و نیازهای متقابل فلسفه و دین به هم بهتر آشکار میشود.

۱۱۹

گونه‌شناسی عقلانیت این دو اندیشمند و تبیین آراء و مواضع آنها در مسئله عقل و وحی، تساوی و عدم تساوی عقل در میان انسانها و سهم خردورزی در سعادت‌شناسی این دو حکیم رازی، از مهمترین مسائل و یافته‌های پژوهش حاضر محسوب میشود.

* استادیار گروه فلسفه و کلام اسلامی دانشگاه اصفهان؛ m.ganjvar@ltr.ui.ac.ir

تاریخ تأیید: ۹۷/۶/۱۱

تاریخ دریافت: ۹۷/۴/۱۵



کلیدواژه‌ها: عقلگرایی خودبنیاد، عقلانیت وحیانی، محمد بن زکریای رازی، ابوحاتم رازی، سعادت

* * *

مقدمه

ماجرای تقابل عقلانیت فلسفی با خردورزی دینی در جهان اسلام، پیوسته اما کمابیش و با شدت و ضعف مطرح بوده است. این ماجرا گاهی معلول تعصبات دینی اصحاب نقل و گاهی ناشی از افراط و غرور ارباب عقل بوده است؛ به طوری که در برابر یکدیگر موضع گرفته و راه هرگونه صلح و آشتی و گفت‌وگو مسالمت‌آمیز را مسدود شمرده‌اند. در این میان، برخی از اندیشمندان مسلمان در باب عقلگرایی فلسفی، شیوه افراط را پیش گرفته و بسان معتزلیان از «شریعت عقل» سخن به میان آوردند. محمد بن زکریای رازی از جمله کسانی است که در این راه گام برداشت و با ابراز سخنان تند و افراط‌آمیز در باب عقل و فلسفه، از حقایق دینی فاصله گرفت.^(۱)

کتابی با عنوان *مخاریق الانبیاء* (نیرنگهای پیامبران!) به محمدبن زکریا منسوب است^(۲) که در آن به ردّ مسئله نبوت و معجزات پیامبران الهی پرداخته است. اما از آنجا که با تضعیف آموزه کلامی نبوت، اصل اعتقادی امامت نیز متزلزل میشود، دانشمندان و متکلمان اسماعیلی بیش از همه درصدد ردّ و نقض زکریای رازی برآمدند؛ از جمله ابوحاتم عبدالرحمن رازی، همشهری و معاصر محمدبن زکریا، در مباحثات فلسفی - کلامی خود با او در کتاب *اعلام النبوة* به نقد دیدگاه وی پرداخت.^(۳)

این گفت‌وگو نزع‌گونه میان دو اندیشمند رازی از آن جهت حائز اهمیت است که ۱۲۰ نوع برخورد و کیفیت تلاقی دو جریان «عقلانیت خودبنیاد» و «خردورزی وحیانی» را در قرن چهارم هجری به روشنی آشکار میسازد. نظر به این ضرورت و با توجه به خلاء معرفتی موجود، نوشتار حاضر با رویکردی مسئله‌محور، به بررسی تطبیقی آراء این دو اندیشمند هم‌عصر و هم‌وطن پیرامون عقل، کارآیی و قلمرو آن میپردازد. تبیین مهمترین آراء و مواضع این دو حکیم ایرانی درباره خردورزی و

